

# سفرنامه بنجامین

## و تاریخچه روابط ایران و آمریکا

### ○ منصور چهارزی

ناقصی از طریق کشورهای اروپایی به ایران می‌رسید و به احتمال قوی قدیمی‌ترین مطلبی که در متون ایرانی در مورد آمریکا می‌توان یافت در کتاب تحفة العالم است که در جایی از آن آمده: «نخستین کسی که به سنگ مغناطیس رسید و به خاصیت او علم به هم رسانید حکیم دانشمند مستر کلمبوس بود. وی از مردم جزیره العرب و به لغت عربی و تمام السنه مردم فرنگی، عالم و صاحب عزم بلند بود. موجد علم ریاضی و هندسه به طریق فرهنگ اوست...» سپس به صورت مختصر و ناقص به شرح کشفیات کریستف کلمب و مراجعت وی و دوران آزار، زندان و مرگ او می‌پردازد.<sup>۱</sup>

بستان السیاحه اثر حاج میرزا محمدشرف زین العابدین شیروانی، کتاب دیگری به زبان فارسی است که در آن درباره قاره آمریکا نوشته شده است: «لفظ ینگه ترکی است به معنای دنیای جدید و آن را ارض جدید نیز گویند و آن در حدود نهندوناند هجری ظهور نموده و مابین جنوب و مغرب روم و مغرب ایران است و آن خارج از ربع مسکون و از اقالیم سبعة است و ملکی است به قدر ربع شمالی. حکیم مسترکلمبوس که او را فلون نیز گویند از جماعت فرنگان ظاهر ساخت و حدود اربعة آن ملک از سمت مشرق به دریای محیط اتصال دارد.»<sup>۲</sup>

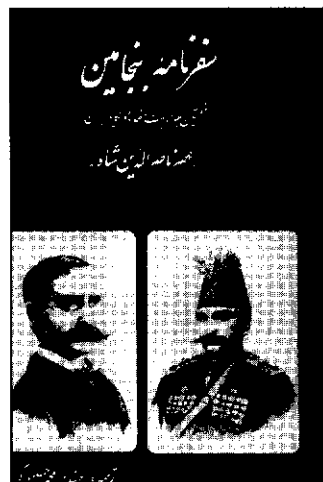
در کتاب کشف الغرائب نیز شرحی در ارتباط با آمریکا وجود دارد: «این دیار را وسعت بسیار است، اما مقدار آن را از روی تحقیق نمی‌توان نوشت؛ زیرا حدود و ثغور آن بوجهی که شاید، معلوم نشده است. این مملکت از طرف شمال به دریای یخ و از طرف جنوب و از طرف‌های شرقی و غربی به دریای محیط می‌رسد و هوای آن چون کوهستان و هم در طرف شمال واقع است بسیار سرد و نه ماه زمستان...»<sup>۳</sup>

تنها ایرانی که موفق شده بود برحسب اتفاق پا بر خاک قاره آمریکا گذاشته و از آن جا دانسته‌هایی با خود به ارمغان آورد حاج میرزا ابوالحسن خان شیروازی، ایلچی فتحعلی شاه، در دیار انگلستان بود.

ایران تا قبل از صدارت امیرکبیر هیچ‌گونه سفارت‌خانه‌ای در کشورهای بیگانه نداشت؛ بلکه بنا به شرایط زمانی و صلاحیت پادشاه، افرادی تحت عنوان «ایلچی» برای انجام مأموریت‌های موقت به کشورهای مورد نظر اعزام می‌شدند و بعد از اتمام مأموریت‌های محوله ناگزیر به ایران بازمی‌گشتند. مشهورترین این ایلچی‌ها در عصر قاجاریه «حاجی میرزا ابوالحسن خان پسر میرزا محمدعلی شیروازی و خواهرزاده و داماد حاجی ابراهیم کلانتر صدراعظم فتحعلی شاه بود.»<sup>۴</sup>

وی بارها از سوی فتحعلی شاه به عنوان ایلچی به دیار دولت‌های بزرگ آن روزگار اعزام گشت که از جمله این مأموریت‌ها اعزام وی به لندن در تاریخ

- سفرنامه بنجامین، نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران، عصر ناصرالدین شاه
- تألیف: ساموئل گرین بنجامین
- ترجمه: مهندس محمدحسین کردیچه
- ناشر: جاویدان، تهران، چاپ دوم ۱۳۶۹



از میانه قرن نوزدهم به بعد، ایالات متحده آمریکا پس از پشت سر نهادن جنگ‌های داخلی و مرزی فرصت یافت به توسعه دامنه نفوذ خویش در خارج از مرزهای خود بیندیشد تا با بازارهای مناسبی برای کالاهای تجاری‌اش بیابد. بر این اساس برقراری رابطه با ایران که موقعیت استراتژیکی مناسبی برای ارتباط با کشورهای آسیایی داشت<sup>۵</sup> در دستور کار زمامداران آمریکا قرار گرفت. آمریکاییان در آن زمان با عثمانی رابطه دیپلماتیک داشتند، اما ایرانیان شناخت کافی از آمریکا نداشتند و رابطه سیاسی بین دو کشور نیز وجود نداشت.

پادشاه ایران، فتحعلی شاه قاجار، (۱۲۵۰-۱۲۱۲ ه. ق. / ۱۸۳۵-۱۷۹۷ م.) بر این باور بود که آمریکا کشوری است که در زیر کره زمین قرار دارد. جیمز موریه<sup>۶</sup> که همراه سفیر انگلستان برای انعقاد پیمانی با ایران در سال ۱۸۰۸ م. / ۱۲۲۳ ه. ق. به ایران آمده بود در این زمینه می‌نویسد: «پس از بستن عهدنامه فتحعلی شاه ما را به حضور طلیبد و مهربانی‌های زیادی کرد و به من خلعت داد بعد از آن پرسید: می‌گویند مملکتی است آمریکا و این چگونه است و چطور بدان سفر می‌کنند؟ آیا این مملکت به زیر کره زمین است؟»<sup>۳</sup>

قاره آمریکا در ایران به «ینگه دنیا» معروف بود. چنان که میرزا محمدتقی سپهر، تاریخ‌نویس عصر قاجاری، در مورد قراردادی که بعدها در پانزدهم ربیع‌الثانی ۱۲۲۳ ه. ق. / ۱۸۵۶ م. در استانبول میان دولت ایران و آمریکا به امضاء رسید عنوان عهدنامه را چنین ذکر کرده است: «صورت عهدنامه دولت ایران با دولت جمهوری ینگه دنیای شمالی.»<sup>۴</sup>

از این روی بود که در عصر قاجاریه از آمریکا تنها دانسته‌های پراکنده و

ربیع‌الاول ۱۲۲۴ هـ. ق. / ۱۸۰۹ م. است و در همین سفر بود که دست تصادف او را به قاره آمریکا برد.

پس از انجام مذاکرات لازم دولت انگلیس «سرگور اوزلی براون» را به عنوان سفیر جدید در ایران منصوب نمود که وی به همراهی میرزا ابوالحسن خان در ژوئیه ۱۸۱۰ م. / ۱۲۲۵ هـ. ق. عازم تهران شدند. در این زمان هنوز استفاده از کشتی‌های بخار برای انجام مسافرت رایج نبود، لذا آنان در بندر «پلیموت» انگلستان سوار بر یک کشتی بادبانی شده و حرکت خود را به سوی ایران آغاز نمودند. اما در راه کشتی سفیران با توفان شدیدی مواجه گردید و پس از مدتی سرگردانی در دریا و نومی، ناگهان از دور خشکی پدیدار شد، آنان که از شادی در پوست خود نمی‌گنجیدند افرادی را به ساحل فرستادند تا بدانند در چه موقعیتی قرار دارند و «آن‌ها با کمال تعجب خبر آوردند که به قاره آمریکا و ینگی دنیا آمده‌اند و باد کشتی آنها را با خود به طرف مغرب برده است.»

حاج میرزا ابوالحسن خان و سوگور اوزلی در معیت ناخدای کشتی یا زورقی کوچک به سوی ساحل رانند و در آن جا بود که دریافتند که در سواحل برزیل و در نزدیکی بندر «ریونویونیرو» هستند.<sup>۱۱</sup>

آنان بعد از مدتی اقامت در برزیل و هفت ماه مسافرت دریایی بالاخره به بمبئی رسیدند و از آن جا با تعدادی اسلحه و مقداری مهمات و گروهی سی نفره از افسران و معلمان نظامی به ریاست میجر کریستی<sup>۱۲</sup> برای تعلیم ارتش ایران

در سال ۱۲۲۶ هـ. ق. / ۱۸۱۱ م. به بندر بوشهر وارد شدند.<sup>۱۳</sup> چون میرزا ابوالحسن خان در واقع اولین ایرانی بود که پای او به ینگی دنیا رسید «همه با اعجاب و حیرت از او استقبال کرده و تا مدت‌ها از سفر عجیب او به ینگی دنیا سؤال می‌کردند و اطلاعاتی از این قاره جدید می‌خواستند.»<sup>۱۴</sup>

به هر حال هنگامی که ایالات متحده آمریکا به دنبال برقراری رابطه سیاسی با ایران بود اطلاعاتی که ملت ایران در این زمان از ممالک متحده و وضع جغرافیایی و سیاسی و اجتماعی آن کشور داشتند از این حدود تجاوز نمی‌کرد. با این وجود سه عامل عمده در شکل‌گیری روابط ایران و آمریکا در عصر قاجاریه نقش اساسی ایفا کرده است:

اول: دخالت نمایندگان دو دولت روس و انگلیس در مسائل تاریخی ایران و افزایش فشار مأموران این دو کشور برای نفوذ فوق‌العاده خود به ویژه بعد از انعقاد عهدنامه ترکمانچای (۱۲۴۳ هـ. ق. / ۱۸۲۸ م.)

دوم: رقابت اقتصادی میان دو کشور ایالات متحده آمریکا و انگلستان بر سر به دست‌گیری بازارهای تجاری جهان به ویژه در قاره آسیا.

سوم: توجه مقامات مذهبی آمریکا به سرنوشت اقلیت‌های مسیحی ساکن در ایران.<sup>۱۵</sup>

از آنجایی که مسئله اقلیت‌های مسیحی ساکن در ایران برای مسیونرهای آمریکایی بسیار با اهمیت بود، روابط بین ایالات متحده آمریکا با فعالیت مسیونرهای مذهبی در ایران آغاز گردید. در میان اقلیت‌های مذهبی، آسوری‌ها (و به قول آمریکایی‌ها نستوری‌ها) که در شمال غربی ایران و سواحل دریاچه

## از آنجایی که مسئله اقلیت‌های مسیحی ساکن در ایران برای مسیونرهای آمریکایی بسیار با اهمیت بود، روابط بین ایالات متحده آمریکا با فعالیت مسیونرهای مذهبی در ایران آغاز گردید. در میان اقلیت‌های مذهبی، آسوری‌ها و به قول آمریکایی‌ها: نستوری‌ها، که در شمال غربی ایران و سواحل دریاچه ارومیه می‌زیستند، بیشتر از دیگران، توجه هیأت‌های مذهبی آمریکا را به خود جلب کردند



دروازه جنوبی ارگ تهران و میدان بزرگ آن، دوره ناصری

ارومیه می‌زیستند بیشتر از دیگران توجه هیأت‌های مذهبی آمریکا را به خود جلب کردند. این اقلیت سی هزار نفری که سابقه اقامت آنان به قرن پنجم میلادی بر می‌گشت مورد آزار مردم متعصب ساکن در ناحیه قرار می‌گرفتند و آمریکاییان نیز از این مسئله آگاهی کامل داشتند.<sup>۱۶</sup>

فعالیت هیأت‌های مذهبی آمریکایی در ایران ابتدا به وسیله شخصی به نام مریک<sup>۱۷</sup> آغاز و سپس توسط الی اسمیت<sup>۱۸</sup> و دوایت<sup>۱۹</sup> به سال ۱۲۴۴ هـ. ق. / ۱۸۲۹ م. بررسی و تکمیل گردید.<sup>۲۰</sup> دو نفر اخیر که از سوی مقامات مذهبی آمریکا به ایران اعزام شده بودند، در بهار سال ۱۸۳۰ م. / ۱۲۴۵ هـ. ق. از طریق ارمنستان به خاک ایران پای نهادند. آنان «مأموریت داشتند تا درباره وضع مسیحیان ساکن در ایران مطالعاتی انجام داده و اطلاعات خود را به مقامات مذهبی آمریکا ارسال دارند.»<sup>۲۱</sup> الی اسمیت و دوایت بعد از بازدید نواحی مسیحی‌نشین در ایران به ویژه ارومیه، مطالعات خود را انتشار دادند.

با فرمان محمدشاه قاجار (۱۲۴۶-۱۲۵۰ هـ. ق. / ۱۸۴۸-۱۸۳۴ م.) مبتنی بر اعطای آزادی فعالیت به هیأت‌های آمریکایی، اقدامات آنان جنبه رسمی به خود گرفت و در پی ادامه سیاست‌های الی اسمیت و دوایت، دکتر جوستین پرکینز<sup>۲۲</sup> و همسرش ایزابیل گوانت<sup>۲۳</sup> از سوی اداره امور خارجه کلیسای «پرسبیترین»<sup>۲۴</sup> به عنوان مبلغان نستوری وارد ایران شدند و توانستند خدمات آموزشی و بهداشتی خود را در سال ۱۲۴۹-۵۰ هـ. ق. / ۱۸۳۴-۳۵ م. در ارومیه آغاز نمایند. طی اقامت ۸ ساله، دکتر پرکینز و همسرش به تحقیق در مسائل مختلف اجتماعی ایران پرداختند. در این مدت آنان دو کتاب تحت عناوین

سه عامل عمده در شکل‌گیری روابط

ایران و آمریکا در عصر قاجاریه

نقش اساسی ایفا کرده است:

اول: دخالت نمایندگان دو دولت روس و

انگلیس در مسایل تاریخی ایران و افزایش

فشار ماموران این دو کشور برای نفوذ

فوق‌العاده خود به ویژه بعد از انعقاد عهدنامه

ترکمانچای (۱۲۴۳ هـ ق / ۱۸۲۸ م)

دوم: رقابت اقتصادی میان دو کشور ایالات

متحده آمریکا و انگلستان بر سر

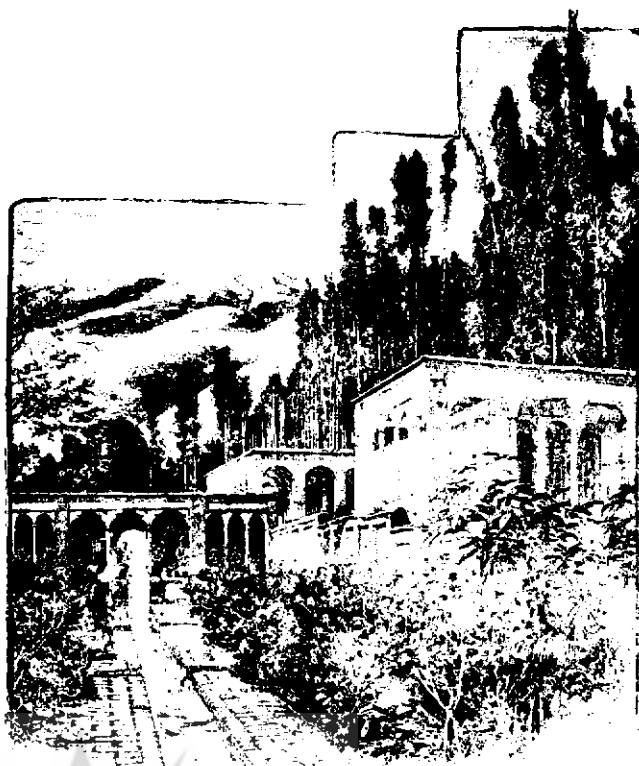
به دست‌گیری بازارهای تجاری جهان

به ویژه در قاره آسیا

سوم: توجه مقامات مذهبی آمریکا

به سرنوشت اقلیت‌های مسیحی

ساکن در ایران.



محل بیلاقی سفارت آمریکا در جعفرآباد شمیران، دوره ناصری

زندگی مسیحیان ارومیه و زندگی میسیونرها در ایران تألیف نمودند. با دایر نمودن چاپخانه، بیمارستان و ساخت کلیسا در ارومیه دامنه فعالیت‌های خود را به مسائل آموزشی نیز گسترش دادند. آنان مدرسه‌ای تأسیس نمودند که علاوه بر مواد معمول درسی، به آموزش قالی‌بافی و آهنگری و نیز زبان انگلیسی می‌پرداخت.<sup>۲۱</sup>

با روی کار آمدن میرزا تقی خان امیرکبیر، وی تصمیم به تأسیس سفارتخانه‌های دائمی در مرکز کشورهای بزرگ آن روزگار گرفت. به همین انگیزه فرمان تأسیس سفارت دائمی ایران در استانبول، سن پترزبورگ و لندن را داد و به دنبال آن میرزا محمدحسین خان عضدالملک، صدر دیوان خانه سلطنتی، به سمت سفیر ایران در روسیه تعیین گردید.

میرزا شفیق خان نائب اجدادباشی به عنوان مصلحت‌گزار (کاردار) ایران در لندن، حاج میرزا احمدخان منشی به سمت مصلحت‌گزار و وزیرمختار ایران، مقیم در استانبول منصوب شدند.<sup>۲۲</sup> از آن جایی که امیرکبیر از یک سو معتقد به استقرار سیاست خارجی مستقل و اجرای آن بود و از سوی دیگر ایران را تحت فشار فوق‌العاده دو قدرت نیرومند روس و انگلیس می‌دید، در جست‌وجوی نیروی سومی بود که آلودگی امپریالیسم انگلیس و روسیه را نداشته باشد، تا با برقراری رابطه با آن تعدیلی در فشار و دخالت‌های دو دولت همسایه وارد کند، از این رو به فکر برقراری رابطه با ایالات متحده آمریکا افتاد.

با این نگرش سیاسی، امیرکبیر در سال ۱۲۶۶ هـ ق. / ۱۸۵۱ م. به مصلحت‌گزار ایران در استانبول، میرزا احمدخان، فرمان داد تا با وزیرمختار آمریکا در عثمانی، جرج مارش<sup>۲۳</sup> گفت‌وگو کرده و زمینه را برای بستن عهدنامه‌ای مهیا سازد. آمریکا نیز که از مدت‌ها قبل درصدد ایجاد رابطه سیاسی و تجاری با ایران بود از این فکر استقبال کرد و ژاکاری تیلور<sup>۲۴</sup> رئیس جمهور وقت آمریکا، ضمن تأیید این عمل در ۲۸ ژوئن سال ۱۸۵۰ م. اختیارنامه انعقاد قرارداد با ایران را امضاء و صادر کرد. نتیجه این مذاکرات پس از یک سال و سه ماه به بار نشست و منجر به انعقاد اولین قرارداد در تاریخ روابط ایران و آمریکا گردید که با نام «عهدنامه دوستی و کشتیرانی»<sup>۲۵</sup> در ۱۴ ذی‌الحجه ۱۲۶۵ هـ ق. / ۱۹ اکتبر ۱۸۵۱ م. در استانبول به امضای نمایندگان دولتین ایران و آمریکا رسید.<sup>۲۶</sup> یک

ماه پس از امضاء این عهدنامه، امیرکبیر به دنبال توطئه‌های داخلی و خارجی از صدارت عزل گردید و دولت انگلستان با نفوذ در صدراعظم بعدی، میرزا آقاخان نوری، کوشید تا عهدنامه تصویب و مبادله نشود و بدین‌گونه بود که موضوع قرارداد پس از چندی منتفی گردید. بعدها کارل سنپس<sup>۲۷</sup> وزیرمختار آمریکا در استانبول، در گزارش خود به دولت متبوعش در این زمینه نوشت: «دولت انگلیس نفوذ خود را در تهران به کار برد و دولت عهدنامه را تصویب ننمود.»<sup>۲۸</sup>

هنگامی که در سال ۱۸۵۶ م. ۱۲۷۱ هـ ق. بر سر مسئله هرات روابط ایران و انگلیس تیره و منجر به رویارویی این دو کشور گردید، ناصرالدین شاه قاجار (۱۳۱۳-۱۲۶۴ هـ ق. / ۱۸۹۸-۱۸۴۹ م.) از سر چاره‌جویی دست کمک به سوی ایالات متحده آمریکا دراز نمود و حاجی میرزا احمدخان، مصلحت‌گزار ایران در استانبول، بار دیگر مأموریت یافت تا با کارل سنپس وزیر مختار آمریکا در استانبول، به صورت «خیلی محرمانه» برای خرید چند کشتی جنگی و استخدام ملوانان آمریکایی به گفت‌وگو بپردازد. بنابراین، فکر استقرار مجدد روابط سیاسی با آمریکا و انعقاد پیمانانی با این کشور تجدید شد.<sup>۲۹</sup>

میرزا احمدخان ضمن مذاکره با سنپس اعلام کرد شاه به او مأموریت داده است تا درباره بستن قراردادی سیاسی - بازرگانی با وی گفت‌وگو نماید. او طرح عهدنامه را در هشت ماده پیشنهاد کرد.<sup>۳۰</sup> اما تمایل ایران مبنی بر حمایت دریایی آمریکا از کشتی‌های تجاری ایران در خلیج فارس و حفظ بندر و جزایر ایران در مقابل دست‌انزای‌های انگلستان و سلطان عمان، از طرف دولت آمریکا پذیرفته نشد و دولت ایران ناگزیر این شرایط خود را نادیده گرفت و معاهده جدید در ۱۳ دسامبر ۱۸۵۶ م. / ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۲۷۳ هـ ق. میان فرخ خان امین‌الملک و کارل سنپس در زمان ریاست جمهوری بوکانان<sup>۳۱</sup> به امضاء رسید و شش ماه بعد در تاریخ ۲۰ شوال ۱۲۷۳ هـ ق. / ژوئن ۱۸۵۷ م. مبادله شد.<sup>۳۲</sup>

علی‌رغم امضاء این معاهده، دولت آمریکا سفیری برای انجام امور دیپلماتیک به ایران اعزام نکرد و این موضوع مدت‌ها به تعویق افتاد و طی این مدت حفظ منافع اتباع آمریکا در ایران که متشکل از تعدادی کشیش و میسیونرهای مذهبی و تاجر بود به عهده سفارت انگلستان در تهران بود، اما رفته رفته دولت انگلستان به آمریکا اعلام نمود که به دلیل مترآم شدن بیش از حد



ساموئل گرین بنجامین

نیز از خرج سفره و حقوق خودش بپردازد،<sup>۳۱</sup> اختلافاتی با مسؤولین وزارت خارجه آمریکا پیدا کرده بود و از این اختلافات ناخشنود بود تا آن که در سال ۱۸۸۵ م. با موفقیت حزب دمکرات در انتخابات ریاست جمهوری و زمامداری این حزب به آمریکا احضار شد و طبق شیوه معموله در دیپلماسی آمریکا به زندگی خصوصی بازگشت.<sup>۳۲</sup>

بنجامین پس از بازگشت به آمریکا چون مردی دانشمند و نویسنده بود شروع به نوشتن مجموعه مقالاتی دربارهٔ مأموریتش در جراید آمریکا نمود که در نشریات ماهانه‌ای مانند «هارپر» و «سنتری ماگازین» و «مانهاتان ماگازین» به صورت پاورقی به چاپ رسید. وی با اجازه و رضایت ناشران آن مجلات و تجدیدنظر کامل در مطالبش و افزودن فصلی تازه، آنها را تحت عنوان ایران و ایرانیان، به صورت کتاب مستقلی منتشر نمود. اگرچه بنجامین در مورد انگیزه‌اش از نوشتن این کتاب می‌نویسد: «خاطراتی که در این سفر دوساله و اندی به ایران داشته و تجربیاتی که در طول مأموریت خود در ایران کرده بودم انگیزه‌ای برای تدوین و نوشتن این کتاب شد»<sup>۳۳</sup> اما می‌توان گفت که عوامل دیگری مانند انتقادات مقامات وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا از مأموریت او در ایران و تشویق بسیاری از مردم و آگاهان سیاسی کشورش، او را به چاپ و انتشار این کتاب وادار نمود.

کتاب ایران و ایرانیان مشتمل بر هفده فصل به همراه تصاویری از مناظر و شخصیت‌های ایران در حدود صد و اندی سال پیش در سال ۱۸۸۶ م. ابتدا در لندن و سپس در واشنگتن به چاپ رسید.<sup>۳۴</sup> نسخه‌ای از این کتاب را آوانس خان ساعدالسلطنه در اواخر دوره ناصر می‌ترجمه و مرحوم میرزا حسن خان ذکاءالملک فروغی عبارات آن را به دلیل ازمی بودن ساعدالسلطنه و عدم تسلط کامل وی در نوشتن فارسی تصحیح کرده است. نسخه‌ای از آن نیز نزد دانشمند فقید عباس اقبال آشتیانی بود که بنا به گفتهٔ وی شامل نه فصل به صورت ناتمام بوده است که دو قسمت از آن را تحت عنوان «شرح جواهرات معیرالممالک» و «شرح حال میرزا سعید خان»، وزیر امور خارجه، در مجله «یادگار» به عنوان نمونه به چاپ رساند. عباس اقبال بر این باور بود که چون بنجامین مدت زیادی در ایران اقامت نداشته است پس نوشته‌های وی قابل

به احتمال قوی، قدیمی‌ترین مطلبی که در متون ایرانی در مورد آمریکا می‌توان یافت در کتاب «تحفة العالم» است که در جایی از آن آمده:

«نخستین کسی که به سنگ مغناطیس رسید و به خاصیت او، علم به هم رسانید.

حکیم دانشمند «مستر کلمبوس» بود،

وی از مردم جزیرهٔ العرب و به لغت عربی و

تمام السنه مردم فرنگی، عالم و صاحب

عزم بلند بود. موجد علم ریاضی و هندسه

به طریق فرهنگ اوست...»

سپس به صورت مختصر و ناقص

به شرح کشفیات کریستف کلمب و مراجعت وی

و دوران آزار، زندان و مرگ او می‌پردازد

کارهای مربوط به اتباع آمریکا بهتر است که آمریکا به فکر چارهٔ دیگری برای خود باشد.<sup>۳۵</sup> به همین دلیل بیست و پنج سال بعد قرارداد برقراری روابط میان ایران و آمریکا به تصویب کنگرهٔ کشور آمریکا رسید و آن هم سرانجام در سال ۱۸۸۲ م. ۱۲۹۷ ه. ق. با تأسیس سفارتخانه در ایران موافقت کرد و به دنبال آن پرزیدنت آرتور، رئیس جمهور آمریکا، هیأتی را برای سفارت به ایران اعزام نمود که در رأس آن مردی دانشمند و شرق‌شناس قرار داشت، که به دلیل شیفتگی فراوانی که به انجام این مأموریت نشان داده بود به این سمت انتخاب شده بود. او که پدرش نیز از میسیونرهای مذهبی فعال در عثمانی بود کسی جز ساموئل گرین بنجامین نبود: «در زمستان سال ۸۳-۱۸۸۲ بود که از طرف پرزیدنت آرتور ریاست جمهوری آمریکا به سمت نخستین سفیر آمریکا در ایران منصوب شدم. کنگره آمریکا به تازگی تأسیس سفارت را در ایران تصویب کرده بود و به دنبال آن پرزیدنت آرتور مرا بدین سمت انتخاب کرد.»

بنجامین با دریافت فرمان سفارت همراه «با همسرش در تابستان ۱۸۸۳ از راه لندن و اروپای غربی و مرکزی و روسیه به انزلی آمده و از آن جا به تهران وارد شد و از او به گرمی پذیرایی نمودند.<sup>۳۶</sup> وی در ابتدای ورودش به تهران در یکی از بناهای دولتی مأوا گزید، ولی بعد مکانی را واقع در خیابان فردوسی کنونی (تقریباً در محل بانک ملی فعلی) برای سفارت آمریکا اجاره نمود و سفارت را در آن دایر کرد.<sup>۳۷</sup>

بنجامین نزدیک به دوسال به عنوان سفیر آمریکا در ایران مشغول به خدمت بود و مسافرت‌هایی نیز به برخی از شهرستان‌های ایران کرد. از آن جا که وی در طول مدت اقامتش در ایران برخوردی با برونشویگ، وزیرمختار دولت آلمان که به تازگی وارد ایران شده بود پیدا کرد و این برخورد به اهانت دو طرف به یکدیگر انجامید، بنجامین چگونگی ماجرا را به دولت متبوع خویش گزارش نمود و از آنها خواست تا ضمن اعتراض به دولت آلمان ترتیبی اتخاذ نمایند تا سفیر آلمان در تهران از وی و اعضای سفارتخانهٔ آمریکا عذرخواهی نماید. اما وزارت خارجه آمریکا پاسخ مساعدی به بنجامین نداد.<sup>۳۸</sup> افزون بر این چون وضع خزانه‌داری آمریکا خراب بود و دولت آمریکا بودجه اضافی برای او منظور نکرده بود و مجبور بود که کرایه محل ییلاقی و هزینه‌های دیگر آن را





اعتنا نمی‌باشد «ولی باید توجه داشت که مرحوم اقبال در آن هنگام فقط نسخه‌ای از کتاب ترجمه شده بنجامین را که شامل ۹ فصل ناتمام بوده در اختیار داشته و فصول بعدی را که مربوط به خصوصیات زندگی و هنر و آداب و رسوم ایرانیهاست ملاحظه نکرده است و این همان فصولی است که وسعت اطلاعات بنجامین و سعی و کوشش فوق‌العاده او را در به دست آوردن این اطلاعات نشان می‌دهد».<sup>۲۶</sup>

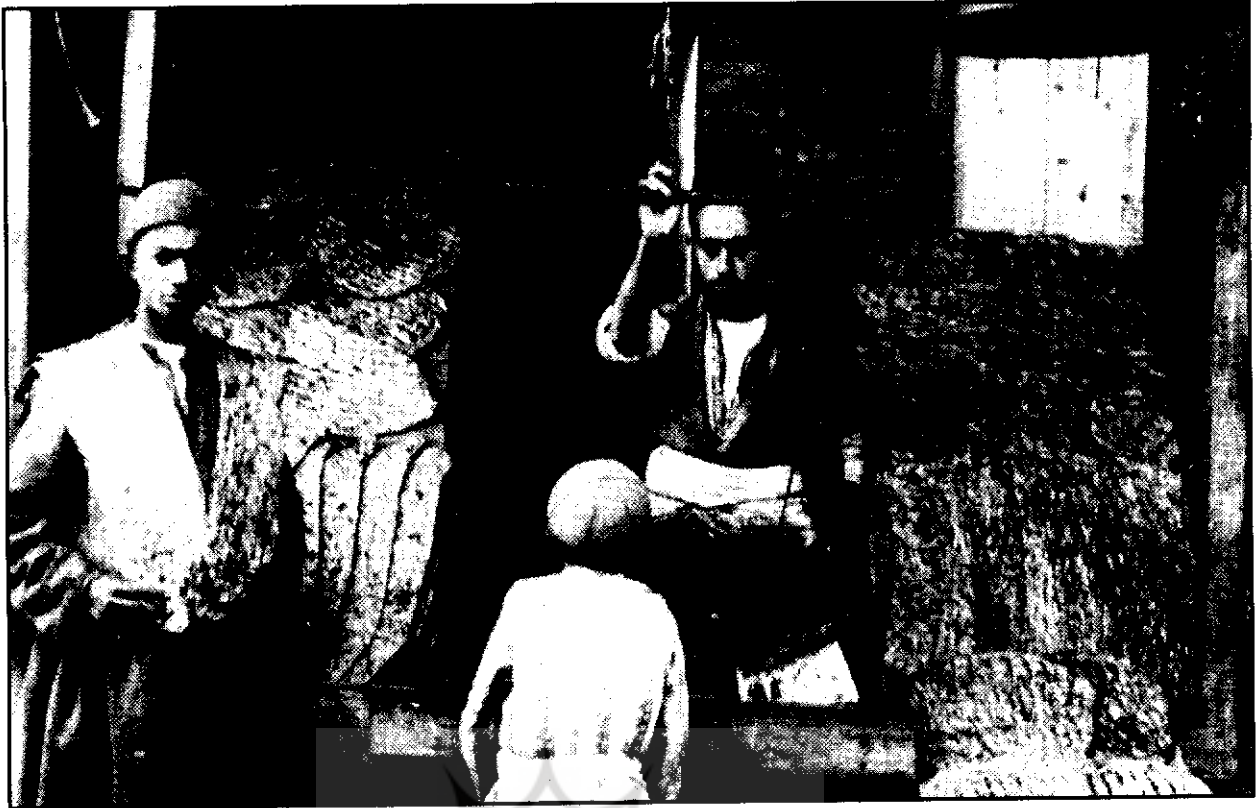
در سال ۱۳۲۴ ه. ش. نسخه‌ای از کتاب اصلی بنجامین که در سال ۱۸۸۶ م. در لندن به چاپ رسیده بود به دست مترجم گرانقدر فارسی این اثر، آقای مهندس حسین گردبچه رسید که قسمت‌هایی از آن را ترجمه و اقتباس نمود و به این صورت در پاورقی روزنامه «اطلاعات» مورخ ۴ دی ۱۳۲۸ ه. ش. منتشر کرد «و آن متضمن اوضاع دربار ناصرالدین شاه و رجال وقت و بسیاری از مطالب دیگر است».<sup>۲۷</sup> چاپ اول از ترجمه کامل این اثر به فارسی و به قلم مترجم مذکور پس از چهل سال، به سال ۱۳۶۲ ه. ش. و چاپ دوم آن به سال ۱۳۶۹ ه. ش. تحت عنوان ایران و ایرانیان یا سفرنامه بنجامین نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران، توسط انتشارات «جاویدان» در ۳۸۳ صفحه منتشر شد. ترجمه فارسی این اثر مشتمل بر فهرست تصاویر، مقدمه نویسنده، مقدمه مترجم، هفده فصل و فهرست اعلام است و فصول هفده‌گانه کتاب شامل عناوین اصلی و فرعی است که عناوین اصلی آن جهت آشنایی خوانندگان در ذیل آورده می‌شود:

- ۱- از دریای سیاه تا مرز ایران.
- ۲- از انزلی تا تهران.
- ۳- وضع جغرافیایی ایران.
- ۴- شهر تهران.
- ۵- اقامتگاه‌های ییلاقی در شمیران.
- ۶- نژادهای مختلف ایران.
- ۷- شرایط خدمت در ایران.
- ۸- ناصرالدین شاه و خانواده سلطنتی.
- ۹- رجال و مقامات عالی‌رتبه ایران.

- ۱۰- کوهنوردی ایران.
- ۱۱- نظری به هنرهای زیبای ایران.
- ۱۲- دین و مذهب ایران.
- ۱۳- تعزیه یا نمایش مذهبی در ایران.
- ۱۴- منابع اقتصادی، تولیدات و بازرگانی ایران.
- ۱۵- قوانین عرف و شرع در ایران.
- ۱۶- در گوشه و کنار ایران.
- ۱۷- موقعیت سیاسی ایران.

مترجم محترم، قسمتی از مطالب مقدمه نویسنده را که مرتبط به شیوه‌های مربوط به تلفظ صحیح کلمات و اسامی فارسی است با قید این عبارت که «در این جا نویسنده شیوه‌هایی را که در نوشتن تلفظ کلمات فارسی به کار برده، برای خوانندگان تشریح کرده و مثال زده است که البته از نظر خوانندگان فارسی زبان اهمیتی نداشته و ذکر آن‌ها بی مورد است و به همین جهت از آن صرف‌نظر می‌گردد»<sup>۲۸</sup> حذف نموده است.

بنجامین در نوشتن سفرنامه خویش غیر از «مشاهدات عینی شخصی» از نوشته‌های مورخان یونانی نظیر گزنفون<sup>۲۹</sup> و هرودوت<sup>۳۰</sup> و نیز سفرنامه‌های افرادی که قبل از وی به ایران آمده‌اند مانند مارکوپولو<sup>۳۱</sup>، پیتر دلاواله<sup>۳۲</sup>، شاردن<sup>۳۳</sup>، آدام اولناریوس<sup>۳۴</sup>، گملن، بالدوچی بگولنی، جوناس هانوی<sup>۳۵</sup>، فرایزر و گزارش‌های اقتصادی افرادی نظیر چاندسلور انگلیسی که در سال ۱۵۵۳ م. سفری به مسکو کرده و همراه او «چنکینسون» که تا بخارا هم رفته بود و متفقاً گزارشی به ملکه انگلستان تقدیم کرده و طی آن از ابریشم مناطق شیروان و احتمال صدور آن به انگلستان ذکری به میان آورده‌اند، به ویژه در فصل‌های مربوط به «هنرهای زیبای ایران» و «منابع اقتصادی، تولیدات و بازرگانی» استفاده شایانی کرده است. افزون بر این از دانسته‌های افراد گونه‌گون چه ایرانی و چه اروپائیان مقیم ایران بدون توجه به مقام آن‌ها بهره‌فراوانی برده است و آن‌ها را غالباً با عباراتی از قبیل «یک افسر اتریشی مقیم ایران برای من حکایت کرد...»<sup>۳۶</sup> یا «یک شاهد عینی ماجرای هولناک و تأسف‌آوری را... برای من حکایت کرد»<sup>۳۷</sup> در آغاز و پایان نوشته‌هایش می‌آورد. با این وجود از نظر



## کتاب «ایران و ایرانیان»،

### در حدود صد و اندی سال پیش در سال ۱۸۸۶ م ابتدا در لندن و سپس در واشنگتن مشتمل بر هفده فصل به همراه تصاویری از مناظر و شخصیت‌های ایران به چاپ رسید

می‌دهد.

اوضاع اجتماعی و فرهنگی ایران، بنجامین در لابلای سفرنامه‌اش و بنا به ضرورت، در ارتباط با بسیاری از مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران مانند نژادهای مختلف ایران، محل سکونت و نوع فعالیت‌های معیشتی آن‌ها، زندگی ایلی و، تقسیم‌بندی آن‌ها و دلایل

نارضایتی‌شان از حکومت‌گران قاجار، جمعیت و ترکیب آن در شهرها و روستاها صحبت به میان می‌آورد. این قسمت از سفرنامه وی می‌تواند مورد بهره‌برداری افرادی که در زمینه مردم‌شناسی و قوم‌شناسی ایران به پژوهش مشغولند، قرار بگیرد. اشاره به مراسم و سنت‌هایی مانند پذیرایی از میهمان، طرز لباس پوشیدن زنان و مردان، جشن نوروز و سلام نوروزی در دربار، وضع مکتب‌خانه‌ها و رسم فرق و... از دیگر سودمندی‌های سفرنامه بنجامین در زمینه مسائل اجتماعی و فرهنگی مردم ایران است. وسعت دید و انصاف و صداقت نویسنده در بحث از این مسائل نمود عینی دارد، به‌ویژه آن جا که در بحث از زنان ایرانی می‌نویسد: «اگر عجولانه قضاوت و نتیجه‌گیری شود که زنان ایران عقب‌افتاده و بی‌اطلاع و نادانند اشتباه محض است و آن‌ها گرچه تحصیل کرده و آشنا به تمدن غربی نیستند ولی به هیچ‌وجه کودن و احمق نیستند و در امور اجتماعی و سیاسی کشور نفوذ دارند و در پشت پرده خیلی کارها با مشارکت و مساعی آنها می‌گذرد... گذشته از این استعدادهای بسیاری در اندرون‌ها و داخل حرمسراها وجود دارد: زنانی که در موسیقی، شعر، نقاشی، قلابدوزی و در عین حال سیاست و دیپلماسی به مرحله استادی رسیده‌اند.»<sup>۵۸</sup> البته قابل ذکر است که پاره‌ای از اظهارنظرهای نویسنده در مورد مسائل اجتماعی و فرهنگی ایران، علی‌رغم صداقتی که در نوشته‌هایش موج می‌زند، بسیار سطحی و به دور از واقعیت است و به نظر می‌رسد که وی مورد یا مواردی از ناهنجاری‌ها را که در رابطه با بعضی از مسائل اجتماعی دیده است را به کل مجموعه تعمیم داده است.<sup>۵۹</sup>

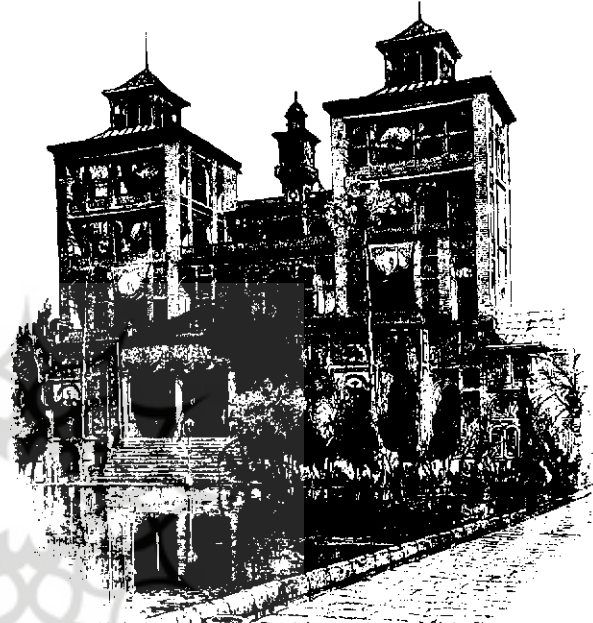
پژوهش‌های تاریخی تنها می‌توان به مشاهدات عینی وی اعتماد نمود و اطلاعاتی را که دیگران در اختیار او گذارده‌اند را باید با احتیاط و مقایسه با دیگر کتب و اسناد تاریخی مورد مذاقه قرار داد.

از آنجایی که بنجامین برخلاف سنت سفرنامه‌نویسی، در این کتاب فقط یادداشت‌های سفرهای خود را

نیآورده بلکه طی فصول مختلف مسائل مربوط به ایران را طبقه‌بندی کرده و مورد بحث قرار داده است، در این بخش از مقاله نیز سعی شد همان ترتیب در معرفی و بررسی محتوای کتاب حفظ شود:

**اوضاع جغرافیایی ایران:** در فصل مربوط به اوضاع جغرافیایی ایران، بنجامین به توصیف وضع ایران از نظر زمین‌شناسی، ناهمواری‌ها، آب و هوا، شرایط اقلیمی، چگونگی رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و... پرداخته است و دیگر بیگانگانی که از این سرزمین دیدن کرده‌اند از آب و هوا و مناظر طبیعی ایران ستایش نموده و به عبارتی شیفته مناظر شمالی ایران بوده است: «رطوبت زیاد، در کرانه‌های دریای خزر و دامنه‌های شمالی البرز موجب سرسبزی و حاصل‌خیزی این مناطق شده و مناظر بسیار دل‌فریب و زیبایی در آن وجود آورده‌اند، راه‌هایی که به دریا منتهی می‌شود از وسط جنگلهای سرسبز و خرمی که نظیر آن را در کم‌تر نقطه‌ای از جهان می‌توان یافت می‌گذرد...»<sup>۶۰</sup> علاوه بر این، در لابلای توصیفات جغرافیایی‌اش از چگونگی کشف معادن زغال‌سنگ در ایران به وسیله کولی‌ها و آدم‌ربایی ترکمن‌ها نیز سخن می‌گوید و وجه تسمیه برخی از نواحی و شهرهای ایران را نیز بیان می‌کند. در رابطه با شهر تهران نیز افزون بر بیان وضعیت و موقعیت جغرافیایی آن از نظر آب و هوا، وضع جاده‌ها، تعداد دروازه‌ها، سیستم آب‌رسانی، باغات شهر و سبک ساختمان‌سازی، به توصیف کاخهای سلطنتی، کاروان‌سراها، بازارها و... پرداخته و دانسته‌های مهمی را در مورد تاریخچه شهر تهران در عصر قاجار در اختیار پژوهشگران قرار

**اوضاع سیاسی ایران و دربار:** نگاه عمیق و موشکافانه بنجامین به اوضاع سیاسی ایران از دیگر ویژگی‌های مثبت سفرنامه وی است. او در مورد ناصرالدین شاه و خانواده سلطنتی و رجال محصر قاجار مانند: معتمدالدوله، عزلالدوله، ظل السلطان، امین السلطان، حکیم الملکه امین الدوله، امین السلطنه، معیر الممالک، ظهیرالدوله، سپهسالار، صنیع الدوله، مستوفی الممالک، صدیق الملکه، مخیرالدوله، میرزا عبدالوهاب آصف الدوله، یحیی خان مشیرالدوله، میرزا سعیدخان، فرمانفرما، قائم مقام فراهانی و... اطلاعات قابل توجهی می‌دهد و در عین حال که از فساد رجال درباری و سنگ‌دلی و استبداد ناصرالدین شاه انتقاد می‌کند، به همان اندازه به تعریف و تمجید مردان بزرگی چون میرزا تقی‌خان امیرکبیر می‌پردازد. آنجا که می‌نویسد: «میرزا تقی‌خان مرد دانشمند و باهوشی بود و کمر همت بسته بود فساد را که قرون متمادی در سازمان اداری



قصر شمس‌العماره تهران که هنوز در خیابان ناصر خسرو به حال خود باقی است؛ دوره ناصر

سیاسی ایران حکم فرما بوده است ریشه‌کن نماید.<sup>۳۱</sup> وسعت اطلاعات ارائه شده از سوی وی در مورد رجال درباری به گونه‌ای است که می‌توان براساس آنها رساله کوچکی تحت عنوان «فرهنگ رجال قاجار» تدوین نمود.

افزون بر این‌ها وی به رشوه‌خواری درباریان، رسم خرید و فروش حکومت ایالات به عنوان یکی از راه‌های تأمین درآمد دولت و از جمله عوامل ناراضی مردم از حکومت‌گران قاجار اشاره می‌کند. دلایل عقب‌ماندگی و عوامل عدم توسعه ایران را یکی یکی برمی‌شمارد و پرده از روی رقابت شدید دول روس و انگلیس در ایران و انواع تحریکاتی که این دولت‌ها برای حفظ منافع خود به آن دست می‌بازیدند، برمی‌دارد.

یکی از اشتباهاتی که به نظر می‌آید بنجامین در بررسی رجال عصر ناصر مرتکب شده این است که ظاهراً ماجرای که در دوره صدارت میرزا آقاخان نوری بین او و پرنس دالگورکی، وزیر مختار روسیه در ایران، به هنگام تلاش او برای درگیر نمودن ایران در جنگ‌های کریمه<sup>۳۲</sup> اتفاق افتاده است را به میرزا سعیدخان نسبت می‌دهد. این اشتباه نیز به دلیل این که آن را از دیگران شنیده و نقل نموده است تا اندازه‌ای قابل توجیه به نظر می‌رسد.<sup>۳۳</sup>

بررسی مختصر تاریخچه روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران و آمریکا در عصر قاجار از دیگر امتیازات «سفرنامه بنجامین» است. به ویژه که وی به این نکته که این روابط براساس معاهده «ترکمن‌چای» تنظیم شده و اتباع آمریکا در ایران از «حق قضاوت کنسولی» یا «کاپیتولاسیون» برخوردار بوده‌اند اشاره نموده است.<sup>۳۴</sup>

**اوضاع اقتصادی ایران:** در زمینه اوضاع اقتصادی ایران، بنجامین اطلاعات زیادی از وضع تولیدات، منابع اقتصادی و میزان جمعیت ایران در عصر ناصری ارائه می‌دهد. او منابع و تولیدات ایران را به تفکیک به معادن (زغال‌سنگ، فیروزه و انواع آن، نمک و...)، محصولات کشاورزی (گندم، جو، پنبه، نیشکر، برنج، تریاک، ابریشم، انواع میوه، گل سرخ و...)، صنایع دستی (قالی‌بافی، نمدالی، گلیم‌بافی، قلابدوزی، سوزن‌دوزی، پارچه‌بافی، چرم‌سازی و...) و صید مروارید تقسیم‌بندی می‌کند و در مورد هر کدام و مراکز تولید آن‌ها، انواع و میزان صادراتشان به خارج از کشور، شرح دقیق و مسوولی با تکیه بر امار و ارقام ارائه می‌دهد. کثرت و تنوع تولیدات اقتصادی و درآمدهای ناشی از آن هر خواننده متفکری را متأثر می‌سازد که چگونه ایرانی که دارای این همه تنوع در تولید و منابع درآمدزایی اقتصادی بود، یک‌باره تبدیل به کشوری وابسته به صدور نفت شد؟

جالب توجه است که با خواندن این قسمت از سفرنامه بنجامین به این موضوع می‌توان پی برد که این وضعیت ایده‌آل اقتصادی به دلایلی از جمله بی‌کفایتی پادشاهان قاجار و عدم حمایت و نظارت جدی و مداوم دولت از بخش‌های کشاورزی، صنعت و تجارت، ناآگاهی مردم و دست یازیدن آنها به انجام تقلب در صدور محصولات کشاورزی و تجاری ایران به خارج از کشور، سقوط شدید تولید ابریشم (به دلیل رها کردن تربیت کرم از سوی دست‌اندرکاران این حرفه و روی آوردن آن‌ها به کشت تریاک که سود بیشتری برای آن‌ها به همراه داشت و نیز بروز بیماری و آفت در کرم‌های ابریشم) و ضعف راه‌ها و ارتباطات و رقابت‌های دول استعمارگر و سیاست‌های بازدارنده آن‌ها برای بدست آوردن امتیازات و منابع بیشتر در ایران، تجاری شدن کشاورزی و وابسته شدن اقتصاد ایران به اقتصاد جهانی رو به انحطاط گذاشت و ایرانی که به زعم نوشته‌های بنجامین، و سیاحان و تجار خارجی که قبل از وی به ایران آمده بودند، خود تولیدکننده و صادرکننده انواع منسوجات ابریشمی بود، تبدیل به واردکننده کالاهای ارزان قیمت کارخانجات غربی شد.<sup>۳۵</sup> این گفته بنجامین که «به دست آوردن ارقام صحیح و درست از تجارت خارجی ایران مشکل است ولی به طوری که مقامات دولتی اطلاع دارند واردات ایران از کشورهای اروپایی بالغ بر ۱۸ میلیون دلار است و این واردات هر ساله روبه افزایش است»<sup>۳۶</sup> و نگاهی به اقلام وارداتی ایران از آمریکا مانند: منسوجات نخی، عروسک، سیگار، بخاری، چراغ و... که وی ذکر می‌کند،<sup>۳۷</sup> نشان‌دهنده عمق فاجعه در زمینه اوضاع اقتصادی ایران در آن روزگار است.

علاوه بر این، بنجامین هنگامی که به ذکر درگیری و اختلاف خود با وزیر مختار آلمان در ایران می‌پردازد می‌نویسد: «دولت آلمان به نوبه خود اخیراً با ایران روابط سیاسی و دیپلماتیک برقرار کرده است با این قصد و نیت آشکار که منافع اقتصادی خود را در ایران تأمین کرده و در بخش‌های مختلف اقتصادی این کشور نفوذ نماید، کالای خود را وارد بازارهای ایران کرده و کالاهای سودآور ایران را به کشور خود ببرد»<sup>۳۸</sup> این قسمت از نوشته‌های وی نیز نشان می‌دهد آمریکا و سایر کشورهای بزرگ برای چه منظوری در تهران اقدام به تأسیس سفارت کرده‌اند و چگونه بر سر غارت هستی این کشور و منابع اقتصادی آن با یکدیگر به رقابت پنهانی و آشکار و حتی کشمکش پرداخته‌اند.

**انواع هنر در ایران:** از آن جایی که بنجامین به گفته خودش در شناسایی اشیاء هنری تخصص و سابقه زیادی داشته است<sup>۳۹</sup> از همین روی در فصل مربوط به هنر ایرانی با موشکافی و دقت نظر خاصی از ریزه‌کاری‌های هنر ایران و تاریخچه مختصر و استادان معروف هر فن به تفصیل بحث نموده است. وی انصاف و صداقت خود را در این زمینه در همان ابتدا با ذکر این مطلب که «باید صادقانه اعتراف کنم که نوع و استادی که من در همین رشت در کارهای هنری و تزئینی دیده‌ام در سراسر ایالات متحده مشاهده نکرده‌ام»<sup>۴۰</sup> نشان می‌دهد.

معماری، آینه‌کاری، کاشی‌کاری، قلم‌زنی، میناکاری، خانم و منبت‌کاری،



نقاشی (میناتور، پرتره و سیاه‌قلم)، نمدمالی، خوش‌نویسی، فرش‌بافی (قالی، گلیم و جاجیم)، تذهیب فلزکاری، تجلید، چینی‌سازی، سوزن‌دوزی و قلاب‌دوزی و... از جمله هنرهای هستند که بنجامین به صورتی کارشناسانه در مورد آن‌ها اظهار نظر نموده است. به گونه‌ای که خواننده از وسعت اطلاعات او در این زمینه به شگفت می‌آید. دقت وی به اندازه‌ای است که حتی در خاتم‌کاری تعداد قطعاتی را که در ۱۸ اینچ مربع به کار رفته شمارش و ذکر نموده است: «در ایران میز، صندلی، نیمکت و میل، جعبه، یولن، گیتار، عصا، قاب عکس و همه قسم اشیاء چوبی را مثبت‌کاری می‌کنند. برای این که متوجه دشواری کار هنرمندان و دقت فوق‌العاده آن‌ها شویم کافی است که بدانیم در یک هشتم اینچ مربع خاتم در حدود ۳۵ تا ۴۰ قطعه کوچک چوب و استخوان و فلز توانستم بشمارم».<sup>۳۱</sup> در جای دیگر درباره طرافت مینیاتورهای ایرانی می‌آورد: «هم‌اکنون که این یادداشت‌ها را می‌نویسم قلمدانی مقابل من است که روی آن مینیاتوری به ابعاد ده در یک و یک سوم اینچ وجود دارد و در این مینیاتور صحنه‌ای از جنگ ایران و عثمانی با سلاح قدیمی آن زمان کشیده شده است. در این صحنه جنگ نقاشی ۵۶ چهره را به طور کامل کشیده و سلاح آن زمان اعم از شمشیر، زنبورک و شمشال و توپ به طور دقیق نقاشی شده است».<sup>۳۲</sup>

بنجامین با این که مردی نکته‌سنج و هنرشناس است اما در بحث از برخی رشته‌های هنری و مسائل مربوط به آن‌ها که اطلاعات زیادی ندارد جانب احتیاط را از دست نداده است. به عنوان نمونه در بحث از موسیقی ایرانی به خواننده اثر خویش یادآور می‌شود که: «از موسیقی ایران من با احتیاط و تردید زیاد کمی صحبت می‌کنم زیرا کسی می‌تواند در این مورد به طور کامل بحث و اظهار عقیده کند که موسیقی‌دان باشد».<sup>۳۳</sup>

در قسمت بحث از هنرهای دراماتیک وی فصل جداگانه و مفصلی را به برگزاری مراسم تئریه و شبیه‌خوانی در ایران اختصاص داده است و چون خود شاهد عینی برگزاری این مراسم در تکیه دولت بوده است کلیه اطلاعات وی مستند، جاندار و قابل توجه است به گونه‌ای که می‌توان از آن‌ها به عنوان منبعی برای نوشتن و بررسی تاریخ تئریه در ایران عصر قاجار بهره‌افراوانی برد. افزون بر این، با عنایت به توصیفات دقیق وی از صحنه‌ها می‌توان متن نمایش (پیس) این گونه مراسم مذهبی را دوباره بازنویسی کرد. نکته جالبی که بنجامین در این مورد به آن اشاره می‌کند رقیق بودن احساسات مردم ایران در چنین مراسمی است. زیرا طبق گفته او بعد از خاتمه هر تئریه مردم آن چنان تحت‌تأثیر بازی افراد و فضای نمایش و احساسات خود قرار می‌گرفتند که به افرادی که نقش شخصیت‌های منفوری مانند «شمر» و «یزید» و «ابن‌زید» را ایفا می‌کردند حمله‌ور می‌شدند و جان آن‌ها به مخاطره می‌افتاد.<sup>۳۴</sup> در پایان این فصل نیز بنجامین بار دیگر با آوردن این مطلب که «به‌طور کلی اگر بخواهیم بی‌طرفانه قضاوت کنیم باید بگوییم که مراسم تئریه ایرانی‌ها یکی از بهترین و مؤثرترین مراسم مذهبی است که در جهان انجام می‌شود و ایرانی‌ها اصولاً ذوق و استعداد زیادی در کارهای هنری تئریه دارند»<sup>۳۵</sup>، بار دیگر روحیه علمی، صداقت و انصاف خود را به خواننده نشان می‌دهد.

**اوضاع مذهبی در ایران:** بنجامین قبل از بحث در مورد اوضاع مذهبی ایران می‌نویسد: «پیش از آن که من به مأموریت ایران بیایم چند سال در مشرق زمین اقامت داشتم و در آن جا مطالبی درباره ادیان و مذاهب ایران شنیده بودم ولی اطلاعات صحیح و کاملی نداشتم تا آن که در مأموریت ایران با این موضوع بیشتر آشنا شدم و اینک در این مورد صحبت می‌کنم».<sup>۳۶</sup> در این جا نیز وی با دقت اوضاع مذهبی ایران را مورد بررسی قرار داده و به انواع فرق مذهبی و عرفانی موجود در ایران مانند: شیعه، سنی، حاکمی، علی‌اللهی، دهری و مزدکی اشاره نموده است. علاوه بر این، وی اقلیت‌های مذهبی ایرانی و اروپایی ساکن در ایران را نظیر یهودیان، زردشتی‌ها، ارمنی‌ها، اسوری‌ها، کلدانی‌ها و نیز پراکندگی آن‌ها در نقاط مختلف ایران را از قلم نینداخته و در حد لزوم از عقاید و رسوم مذهبی آن‌ها سخن به میان آورده است چنان که در مورد شیوه تدفین مردگان

زردشتی‌ها می‌نویسد: «عادت و رسمی که زردشتیان دارند که مرده‌های خود را در قبرستان در هوای آزاد می‌گذارند که به وسیله لاشخورها و آفتاب متلاشی گردد به این علت است که آن‌ها معتقدند که اگر اجساد را در زمین دفن کنند، خاک که مظهر پاکی است آلوده می‌شود».<sup>۳۷</sup>

وی همچنین در چند جای سفرنامه‌اش به فعالیت‌های مذهبی میسیونرهای مسیحی انگلیسی و آمریکایی در ایران اشاره نموده است و آمار دقیقی از آنها و مکان‌های فعالیت‌شان به خواننده ارائه می‌دهد. از لابلای این قسمت از مطالبش می‌توان به رابطه تنگاتنگ میسیونرهای مذهبی با عوامل دولت آمریکا در ایران و اهداف آن‌ها در این کشور پی برد. این هیأت‌های تبلیغی که به دلیل مذهب حاکم بر ایران قادر نبودند آزادانه به فعالیت بپردازند از همان دهه‌های نخست سده نوزدهم و با منابع مالی نامحدودی که در اختیار داشتند به طور پنهانی و زیر لوای حرکت‌های مذهبی، فرهنگی و پزشکی تبلیغات گسترده‌ای را به نفع آمریکا آغاز کردند و برای پیشبرد این کار از بدنامی دو رقیب خود در ایران یعنی انگلیس و روس استفاده زیادی بردند: «اما عامل مهمی که میسیونرهای مذهبی در اختیار دارند و این عامل بدون هیچ اشکالی به آن‌ها کمک می‌کند وجود چند نفر پزشک در میان آن‌هاست. پزشکان مذهبی بدون آن که مستقیماً تبلیغ کنند میان مردم در شهرها و دهات رفته و آن‌ها را مجاناً مورد معاینه و معالجه قرار میدهند و این کار محبوبیتی برای آن‌ها به وجود می‌آورد که به طور غیرمستقیم به پیشرفت کارشان کمک می‌کند. یکی از رهبران میسیونرها فلچرسالتون می‌گفت: به جای کشیش‌ها و پدران دینی به من پزشک بدهید که با کمک آن‌ها خیلی آسان‌تر کار خود را پیش می‌بریم».<sup>۳۸</sup>

**بررسی اوضاع و انواع قوانین قضایی در ایران:** بنجامین در مورد انگیزه خود برای بررسی قوانین قضایی ایران - که فصل جداگانه‌ای را نیز به آن اختصاص داده است - می‌نویسد: «بررسی قوانین ایران از دو جهت جالب است: اول از این نظر که اختلاف زیادی با کشورهای مسیحی دارد و دوم آن که ایران کشوری است که به طور سنتی حکومت الله و خدا در آن وجود دارد و مطالعه قوانین آن از این لحاظ می‌تواند جالب توجه باشد»<sup>۳۹</sup> وی قوانین ایران را به دو قسمت «شرعی» و «عرفی» تقسیم کرده و به توضیح و بررسی هر یک می‌پردازد که گرچه به صورت مجمل بیان شده است اما نشان‌دهنده آگاهی و مهارت وی در این زمینه است.

در این جا نیز بنجامین با تفسیر و تحلیل مجموعه قوانین فقهی و عرفی رایج در ایران به ویژه قوانین مربوط به خرید و فروش، اسب‌دوانی، روابط میان زن و مرد، انواع ازدواج و شرایط آن‌ها و نام بردن از برخی کتب فقهی شیعه مانند: «شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام» اطلاعات خود را به خواننده عرضه می‌دارد.

از اطلاعات جسته و گریخته دیگری که از لابلای «سفرنامه بنجامین» به دست می‌آید می‌توان به شرایط خدمت در ایران و اسامی برخی از مشاغل درباری و غیردرباری مانند: میهماندار، مهتر، میرآخور، جلودار، ناظر، نوکر، ملازم و رومی مانند مداخل و بست‌نشین و... اشاره نمود.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱) در واقع ایران دروازه آسیا به شمار می‌رفت و راه‌های کشورهای آسیایی از آن می‌گذشت. یکی از سیاستمداران انگلیسی در این مورد گفته است: «نام‌های افسانه‌ای سرزمین‌های دور اقتاده شرقی مانند: ترکستان و ماوراء قفقاز و ایران مانند مهره‌های شطرنجی هستند که در بازی اساسی تسلط بر جهان به کار برده خواهد شد». کرزن، جرج ناتانیل، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲، جلد اول، ص ۳.

۲) James Morier

۳) به نقل از: بینا، علی اکبر: تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۸، جلد دوم، ص ۱۳۵.

۴) سپهر، محمدتقی لسان الملک: ناسخ‌التواریخ، جلد سوم، ص ۳۷۶ به نقل از:



بینا، علی اکبر، پیشین، ص ۱۳۵.

۵) به نقل از: بینا، علی اکبر، پیشین، صص ۱۳۶ - ۱۳۵.

۶) همان، ص ۱۳۶.

۷) همان، ص ۱۳۶.

۸) اقبال آشتیانی، عباس: میرزا تقی خان امیرکبیر، به اهتمام ایرج افشار، تهران، توس، بی تا، ص ۲۲۷.

۶۲

۹) Sir Gore Ouseley Brownet

۱۰) Plimut

۱۱) بنجامین، ساموئل گرین: سفرنامه بنجامین، ترجمه محمد حسین کردبچه، تهران، جاویدان، ۱۳۶۹، صص ۱۵ - ۱۴.

۱۲) برای آگاهی بیشتر از این واقعه عجیب ر. ک. به: حسینی فسلی، حسن، فارسنامه نصری، تهران: سنایی، بی تا.

۱۳) Christie

۱۴) هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، پیشین، ص ۲۱۹.

۱۵) بنجامین، ساموئل گرین، پیشین، صص پانزدهم و شانزدهم

۱۶) بینا، علی اکبر، پیشین، صص ۱۳۹ - ۱۳۸.

۱۷) همان، ص ۱۳۹. و نیز ر. ک. به: بنجامین، ساموئل گرین، پیشین، ص ۱۰۳

۱۸) J. L. Merrick

۱۹) Eli Smith

۲۰) Timothy Dewight

۲۱) میراحمدی، مریم: پژوهشی در تاریخ معاصر ایران (برخورد شرق و غرب در ایران ۱۹۵۰ - ۱۹۰۰)، مشهد آستان قدس رضوی، ص ۷۵.

۲۲) بینا، علی اکبر، پیشین، ص ۱۴۰.

۲۳) Justin Perkins

۲۴) Asabel Grant

۲۵) Presbyterien

۲۶) بینا، علی اکبر، پیشین، ص ۱۴۰.

۲۷) برای آگاهی بیشتر از اقدامات امیرکبیر در این زمینه ر. ک. آدمیت، فریدون: امیرکبیر و ایران، تهران، خوارزمی، ۱۳۴۸ و نیز: اقبال آشتیانی، عباس، پیشین، فصل هشتم.

۲۸) G, Marsh

۲۹) Zacharie Taylor

۳۰) مهمترین نکات این قرارداد که مشتمل بر یک مقدمه و هشت ماده می باشد.

این است که امیرکبیر برای جلب حمایت آمریکا از ایران و تثبیت موقع آن دولت در خلیج فارس، در ماده چهار قرارداد، به امریکا آزادی کشتی رانی در رودخانه های ایران را داده بود، حال آن که چنین اجازه های به کشورهای دیگر داده نشده بود. از جمله امتیازات مهم دیگری که این عهدنامه برای امریکا قائل شده بود، موردی است که درباره آن وزیر مختار آمریکا در استانبول در نامه ای به مارسی، وزیر امور خارجه دولت متبوع خود، بدان اشاره کرده است و آن «اجازه تأسیس کنسول گری در بوشهر برای ایالات متحده امریکا» بود. وزیر مختار بعدی امریکا در استانبول نیز، کوشش مقامات ایرانی را در کشاندن پای آن کشور به خلیج فارس، به عنوان سیاست «ایجاد موازنه دریایی در برابر انگلیس» تعبیر می کند. مهمید محمدعلی، پیشین، ص ۲۵۰ و نیز ر. ک. به: رضازاده ملک، رحیم: تاریخ روابط ایران و ممالک متحده امریکا، تهران، طهوری، ۱۳۵۰، صص ۹۱ - ۹۰.

۳۱) هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، پیشین، صص ۳۲۳ - ۳۲۲.

۳۲) Garrol Spence

۳۳) رضازاده ملک، رحیم، پیشین، ص ۹۱.

۳۴) مهمید، علی اکبر، پیشین، صص ۲۵۱ - ۲۵۰

۳۵) همان، ص ۲۵۱.

۳۶) James Buchanan

۳۷) هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، پیشین، ص ۳۲۳ و نیز ر. ک. به: بنجامین، ساموئل، پیشین، ص ۱۱۳.

۳۸) اما حقیقت ماجرا این بود که روابط امریکا و انگلستان در این زمان حسنه نبود و انگلیسی ها حاضر نبودند از منافع اتباع امریکایی در ایران حمایت کرده و با دست خود پای آن ها را در ایران باز نمایند و برای خود رقیبی بترانند. خود «بنجامین» نیز در این

زمینه تصریح کرده است: «... واقعاً احمقانه است که وزارت خارجه امریکا حمایت از منافع و فعالیت های اقتصادی ما را در ایران به انگلستان و یا هر کشور دیگری که منافع اقتصادی در ایران دارد واگذار نماید زیرا این کشورها در فکر منافع کشور خودشان هستند و به آسانی میدان فعالیت را به امریکا واگذار نمی کنند». بنجامین، ساموئل، همان، ص ۳۲۷.

۳۹) سحاب، ابوالقاسم، فرهنگ خاورشناسان، تهران، سحاب، کتاب، ۱۳۵۶، ص

۴۰) بنجامین، ساموئل، پیشین، ص بیست و سوم.

۴۱) برای آگاهی از چگونگی این ماجرا ر. ک. به: همان، صص ۴۷ - ۳۲۸.

۴۲) همان، ص ۸۹.

۴۳) همان، ص هفتم.

۴۴) همان، ص هفتم.

۴۵) قسمتی از تصاویر مناظر و شخصیت های ایران ظاهرآ کار همسر بنجامین بوده که در این مأموریت سیاسی او را همراهی می کرده است.

۴۶) بنجامین، ساموئل، پیشین، ص سی ام.

۴۷) سحاب، ابوالقاسم، پیشین، ص ۶۲.

۴۸) بنجامین، ساموئل، پیشین، ص هشتم.

۳۹) Xenophon

۵۰) Herodote

۵۱) Marco Polo

۵۲) Pietro Dellavalle

۵۳) Chardin

۵۴) Adam Olearius

۵۵) Jonas Hanway

۵۶) بنجامین، ساموئل، پیشین، ص ۷۵.

۵۷) همان، ص ۱۳۴.

۵۸) همان، ص ۳۳.

۵۹) همان، ص ۸۲.

۶۰) برای نمونه ر. ک. به: همان صص ۸۴ - ۸۳ - ۷۳.

۶۱) همان، ص ۱۲۲.

۶۲) جنگ های کریمه عبارت از یک رشته نبردها میان روسیه از یک طرف و عثمانی، انگلیس و فرانسه از سوی دیگر است. این جنگ ها در سال ۱۸۵۴ م. شروع گردید و سرانجام با شکست روسیه در سال ۱۸۵۶ م. به پایان رسید.

۶۳) برای آگاهی بیشتر از چگونگی این ماجرا ر. ک. به: بنجامین، ساموئل، پیشین، ص ۱۸۱ و مقایسه کنید با: آوری، پیترو، پیشین، ۱۳۳ - ۱۴۱.

۶۴) ر. ک. به: بنجامین، ساموئل، پیشین، ص ۱۱۳.

۶۵) برای آگاهی بیشتر در این زمینه ر. ک. به: تاریخ اقتصادی ایران (عصر قاجار، ۱۳۲۲ - ۱۲۱۵ ه. ق.)، ویراستار: چارلز عیسوی، ترجمه یعقوب آژند، تهران، گستره، ۱۳۶۹.

۶۶) بنجامین، ساموئل، پیشین، ص ۳۲۶.

۶۷) ر. ک. به: همان، ص ۳۲۶.

۶۸) همان، صص ۳۲۸ - ۳۲۷.

۶۹) ر. ک. به: همان، ص ۲۴۹.

۷۰) همان، ص ۳۲.

۷۱) همان، ص ۲۴۷.

۷۲) همان، ص ۲۵۴.

۷۳) همان، ص ۲۶۰.

۷۴) همان، ص ۳۰۴.

۷۵) همان، ص ۳۰۵.

۷۶) همان، ص ۲۶۳.

۷۷) همان، ص ۲۶۹.

۷۸) همان، ص ۲۷۳.

۷۹) همان، ص ۲۳۱.